

جمعیت عالم در قرون گذشته

استاد ابوعلی مسکویه رازی در کتاب بسیار نفیس (الطهاره) پس از اینکه احتیاج بشر را بتمدن و تشکیل خانواده و مردم و دولت شرح میدهد و قسمتی از حقوق عمومی و خصوصی را بیان میکند جمعیت بشر را در نظر گرفته میگوید :

کسانیکه آرزو میکنند بشرزند گانی جاوید داشته باشند در حقیقت فنا و مرگ او را خواسته اند زیرا که با وجود مرگ و کشتارهای فراوان می بینیم که جمعیت بشر روزافزون است و روزی تمام سطح کره را فرا خواهد گرفت. پس اگر روزی دست مرگ نیز کوتاه شود در نتیجه جهان بر بشر تنگ خواهد شد و از ادامه حیات باز خواهد ماند.

این دانشمند بزرگ قرن پنجم هجری ایران برای اثبات مدعای خود مثالی میزند و میگوید: یکی از مردان شهیر تاریخی که را که اولاد او معلوم باشد در نظر میگیریم. مثلاً حضرت علی بن ابیطالب (ع) را که چهار صد سال پیش از آن میزیسته از اخلاف آنحضرت چندین مرتبه کشتار شده چه در جنگها و چه بفرمان خلفا و نواب آنان بقتل رسیده اند، با وجود این تا کنون بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ تن از ایشان باقی است و مسلماً اگر فنا و نیستی نبود عدد ایشان در این زمان از ده ملیون متجاوز بود ، بلاشک هر يك از معاصران آنحضرت باندازه او بازمانده دارند و اگر کشتار و مرگ در میان اعقاب این

مردمان نبود عده ایشان بنسبت تصاعد هندسی زیاد میشد و تا کنون روی زمین را فرا گرفته بود. استاد ابوعلی برای روشن ساختن این مطلب صفحه شطرنج را یادآوری میکند و میگوید: هر گاه عدد (۱) را در خانه اول شطرنج قرار داده و آن را در خانه‌های دیگر با قدر مشترك (دو) متضاد کنیم با آنکه شطرنج (۶۴) خانه بیشتر ندارد در خانه آخر باید عدد بزرگی را نوشت که برای طبقه آخر آن بواسطه عدم احتیاج تا کنون اسمی وضع نگردیده است (تقریباً - ۵۶۸، ۸۷۲، ۱۳۱، ۱۷۲، ۲۳، ۶۴، ۱، ۶، میشود) در صورتیکه فنا و هلاک در بین نباشد جمعیت بشر هم به این نسبت زیاد خواهد شد و سطح کره ارض را خواهد گرفت. ابوعلی میگوید: در اینوقت مردمان نه تنها برای زراعت و نشست و برخاست زمین ندارند بلکه باید بردوش یکدیگر سوار شوند و بدیهی است که با چنین وضعی ادامه زندگانی برای آنها ممکن نخواهد بود. ابوعلی با اظهار این نظریه میخواهد ثابت کند که اگرچه دو چیز ضد همدیگر را تقویت نمیکند ولی در این قسمت مرگ در حقیقت مایه حیات بشر است. استاد ابوعلی معتقد است که با وجود مرگ هم جمعیت بشر سطح کره را خواهد گرفت، مرگ طبیعی برای درمان این درد کافی نیست، اکنون که این نظریه دانشمند شهیر ایرانی را نوشتیم بینیم که اختراع آنرا سبب چیست و انگیزه اندیشه این دانشمند چه بوده است.

مسلم است که موجد هر گونه اختراع احتیاج است، اگر احتیاج نبود از آغاز آفرینش تا کنون در زندگانی مادی و معنوی بشر بهیچوجه تغییری روی نمیداد. بشر اسلحه اختراع کرد تا از آزار حیوانات محفوظ بماند و بلکه از ایشان استفاده کند و در فکر تشکیل خانواده و مردم و دولت افتاده تا آسایش خویش را بیشتر فراهم سازد، این قاعده بر سایر اختراعات هم شامل است. آنچه ابوعلی را در این باره باظهار نظریه فوق واداشت همانا ازدیاد جمعیت در روزگار او بوده است. در زمان ابوعلی جمعیت نقاط مختلف ایران بسرعت روبهزونی میرفت و بتدریج از گنجایش اراضی بیشتر میشد و ایرانیان بر اهنمائی محتاج بودند که ایشان را از گردن این امر آگاه کند و طریق جلوگیری از یک بدبختی عظیم را نشان دهد. چون احتیاج پیدا شد عقیده ابوعلی وجود

گرفت چنانکه جمعیت خوارزم که مقام ابوعلی بود روز بروز افزایش مییافت و یک قرن پس از استاد جمعیت ایران چندان انبوه شد که اگر وسعت خاک آن نبود ناچار کار به مزاحمت میکشید. در اینجا مجبوریم که راجع به جمعیت ایران در قرن پنجم و ششم و هفتم هجری مختصری بنویسیم.

متأسفانه در آن دوره سرشماری معمول نبود تا ما بتوانیم جمعیت آن زمان را بتحقیق بدانیم و اکثر مورخین جز در ضمن وقایع جنگ و خونریزی راجع باین موضوع چیزی ننوشته اند ولی از همین تذکرات پراکنده با کمی دقت میتوان جمعیت ایران را در آن عصر بدست آورد. مقدمات ازدیاد جمعیت یعنی عمارت و آبادانی در قرن چهارم و پنجم وجود گرفت و در قرن ششم و هفتم نتیجه داد، در قرن ششم و هفتم کثرت جمعیت بحد اعلی و شاید در بعضی نقاط بیابان اروپای امروزه رسید اما ناگهان دست طبیعت آن جمله را بر مثال مثنی خاک برباد فنا داد و ثابت کرد که برای تقلیل جمعیت به پیشنهادهای (توماس ربرت هالتوس) از دانشمندان قرن نوزدهم اروپا که معتقد بود برای جلوگیری از پیش آمد این مصیبت عظیم تنها راه چاره نابود ساختن فقیران و درماندگان است که بجهت آنها بر سفره طبیعت لقمه ای نهاده نیست، حاجت و نیازی نمیباشد. فتنه مغول کار خود را کرد و کشور پرنعمت و آبادان و پر جمعیت ایران را به خرابه غیر مسکون مبدل ساخت. عطاء الملک جوینی، مورخ مشهور در ضمن شرح کشتارهای مغول در تاریخ جهانگشا مینویسد: هنوز تا رستخیز اگر توالد و تناسل باشد غلبه مردم بعشر آنچه بوده است خواهد رسید. این جمله شکفت انگیز است چنانکه هر خواننده ای را دچار حیرت میسازد و در ابتدا تصور می نماید که مورخ مذکور مانند غالب مورخین شرقی راه اغراق پیموده است. اما وقتی که امثال این گفتار را در کتب معتبره دیگر می یابیم ناچار میشویم که این مطلب را اگر چه بسی عجیب است بپذیریم. برای توضیح مطلب احصائیه تقریبی ذیل را نقل مینمائیم.

شهر خوارزم پایتخت دولت خوارزمشاهی و مهمترین شهر آن عصر بوده چنانکه

در تاریخ جهانگشا و سایر تواریخ آمده است پس از رسیدن مغول باین شهر یکصد هزار نفر از اهالی که برای دفاع بیرون آمده بودند بدست مغولها کشته شدند، پس از ختم جنگ مغولان اهالی را بصحرا راندند و از میان ایشان بالغ بر صد هزار نفر را که از پیشه‌وران بودند جدا کردند و بممالک مشرق فرستادند و زنان و اطفال را به اسیری بردند و بقیه مردان رامیان خود تقسیم کردند و به هر یک از ایشان ۲۴ نفر اسیر رسید و میدانیم فاتح خوارزم جوچی پسر چنگیز بود و تقریباً ۱۱۵'۰۰۰ هزار سپاه در تحت فرمان داشت بنابراین عده مردان خوارزم این رقم بوده است $(۱۱۵'۰۰۰ \times ۲۴ = ۲'۷۹۶'۰۰۰)$ اکنون اگر از تعدادیکه بقول عطاء الملك جوینی (کثرت شمار کشتگان چندان شنیده‌ام که مصدق نداشته‌ام و بدان سبب ننوشته‌ام) و کودکان را از این حساب خارج و صرف نظر کنیم و عده زنان را هم مسامحتاً بامردان مساوی بدانیم باز جمعیت خوارزم $۲'۷۹۶'۰۰۰ \times ۲ = ۵'۵۹۳'۰۰۰$ میشود و این عدد بزرگ و شگفت‌آور جمعیت یک شهر ایران را در قرن هفتم نشان میدهد و از اینرو میتوان پی برد که چه جمعیت انبوهی در این مملکت وجود داشته است و در این وقت دیگر گفتار عطاء الملك جوینی مبالغه آمیز بنظر نمیرسد. بموجب انگیزه شگفت آوردن دانشمند شهیر ایرانی ابوعلی مسکویه چنین نتیجه حاصل میشود که بر طبق احصائیه‌ها از دیاد آنوقه بشر نسبت تصاعد عددی است و نظر باینکه نفوس بشر با تصاعد هندسی از دیاد می‌یابد بزودی روزی خواهد رسید که خوان طبیعت از خوراک میهمانان کم‌آید و بسیاری از ایشان را که ممکن است در اثر فشار گرسنگی از میان بروند از طریق داروئی که در داروخانه خود طبیعت موجود است درمان نموده و تقلیل و کاهش میدهد و باهمه پیش‌بینی‌هاییکه بشر راجع به جلوگیری از مرگ مینماید سرانجام با نهایت عجز از عان میکنند که در کار طبیعت نباید دخالت کند.

۱ - بفرض آنکه این احصائیه‌ها در کتب معتبره‌م نوشته شده باشد مع الوصف

اغراق آمیز است (و)